

## بررسی هنر کورا - ارس

بهرام آجورلو\*

### چکیده

فرهنگ کورا - ارس در اواسط هزاره چهارم ق.م (حدود ۳۵۰۰ ق.م) در قفقاز و حوزه دریاچه ارومیه گسترده شد. مردمان فرهنگ کورا - ارس را دامدارانی نیمه کوچرو معرفی کرده اند که با زراعت هم آشنا بودند. مباحث لایه نگاری، خاستگاه، گسترش و نحوه تعامل فرهنگی و اقتصادی جوامع فرهنگ کورا - ارس با دیگر جوامع خاور نزدیک عصر برنز قدیم همواره از بحث هنری آن پیشی گرفته است. شاید نتوان در نگاه اول با معیارهای زیباشناسی کلاسیک از هنر کورا - ارس سخن گفت؛ اما تعریف هنر به همان اندازه تعریف زیبایی و اینکه چه چیزی زیباست، نسبی است و گوناگون. بنابر همین نسبت، حضور تاریخی هنر مردمان کورا - ارس نیازمند تحقیق و بررسی است تا معیارهای آن شناخته و دسته بندی شود؛ زیرا در کاوش های باستان شناختی صور تجسم یافته ای را فرایش داریم که دارای فرم مشخص، والور معین و هارمونی بوده و سبک و سستی یک هزاره ای دارند. پژوهشگر باستان شناس یا تاریخ هنر، در مطالعه فرهنگ کورا - ارس، دست ساخته های مردمانی را می یابد که محصول فعالیتی خلاقانه بوده و استمرار هزار ساله سنت ساخت آنها نشانه ارزش و اقبال اجتماعی نزد جامعه ای بس کهنسال است. در این نوشتار، آثار هنری فرهنگ کورا - ارس در چهار مقوله سفالگری، هنرهای تجسمی، معماری و فلزکاری دسته بندی و بررسی شده است تا مشخصات آن بازشناسی شود.

**کلید واژه:** عصر برنز قدیم، فرهنگ کورا- ارس، هنر کورا- ارس، سفالگری، معماری، فلزکاری، هنرهای تجسمی

\* کارشناس ارشد باستان شناسی از دانشگاه تهران پژوهشگر گروه علوم و هنر پژوهشکده نظر: مرکز تحقیقات هنر، معماری و

## مقدمه

حدود ۳۳۰۰ ق.م. استمرار می یابد (Glumac & Anthony 1992). دوره اول کورا - ارس به غیر از شرق دریای سیاه، سراسر قفقاز را در برمی گیرد (Di Nocera 2000: 77).

ب) دومین دوره فرهنگ کورا - ارس از حدود ۳۳۰۰ ق.م. آغاز شده و در حدود ۲۷۰۰ ق.م. پایان می گیرد. بشتترین گسترش جغرافیایی فرهنگ کورا - ارس در دوره دوم بود که از غرب به سیواس در آناتولی شرقی و از جنوب به گودین تپه در زاگرس مرکزی رسید (Glumac & Anthony 1992).

ج) دوره سوم فرهنگ کورا - ارس از حدود ۲۷۰۰ ق.م. آغاز شد و تا حدود ۲۰۰۰ ق.م. در حوزه دریاچه های وان و ارومیه ادامه یافت (Burney & Lang 1971: 46-47; Glumac & Anthony 1992). نفوذ فرهنگ کورا - ارس به لوانت از دوره سوم آغاز شد (Amiran 1965: 165). آثار کورا - ارس III در یانیق تپه در لایه های ۷ تا ۱۳ و در هفتون تپه VII و گوی تپه K3 مشاهده و گزارش شده است (علیزاده و آذرنوش ۱۳۸۲).

عباس سیدوف، از آکادمی علوم آذربایجان، پیشنهاد کرده است که یک مرحله انتقال از عصر کالکولیتیک به برنز قدیم در کول تپه نخجوان وجود دارد که می توان آن را مرحله شکل گیری فرهنگ کورا - ارس نامید. به نظر می رسد که مرحله شکل گیری فرهنگ کورا - ارس حدود ۴۱۰۰-۴۰۰۰ ق.م. آغاز شده و تا حدود ۳۶۰۰ ق.م. ادامه یافته بود (Seyedov 2000). احتمال

فرهنگ کورا - ارس (Kura - Araxes) در اواسط هزاره چهارم ق.م. (حدود ۳۵۰۰ ق.م.) در قفقاز و حوزه دریاچه ارومیه گسترده شد؛ و تا آناتولی و لوانت هم گسترش یافت. به نظر می رسد که، بر اساس فرهنگ مادی و مجموعه باستان شناختی آن، فرهنگ کورا - ارس معرف حضور و توسعه یک قوم واحد در پایان هزاره چهارم ق.م. باشد.

چارلز برنی (Charles Burney) مردمان فرهنگ کورا - ارس را دامدازانی نیمه کوچرو معرفی می کند که با زراعت هم آشنا بودند. کوچرو و مهاجر بودن مردمان فرهنگ کورا - ارس از تحلیل فرهنگ مادی آنان آشکار می شود؛ برای مثال، تحول معماری و سفالگری در گودین IV نشانه حضور یک فرهنگ جدید است که مقیاس تولید آن خانگی بود (Mason & Cooper 1999). به نظر می رسد که حضور جوامع کوچرو و استقرارهای کم وسعت در شمال غرب فلات ایران در هزاره دوم برآیند حضور فرهنگ کورا - ارس باشد که از شمال رود ارس نفوذ کرده بود؛ به گونه ای که پهنه فرهنگی یانیق تپه در هزاره دوم یکی از چهار پهنه فرهنگی ایران را تشکیل می داد (طلایی ۱۳۷۴: ۸-۶).

بر اساس گونه شناسی سفال ها، تاکنون سه دوره برای فرهنگ کورا - ارس پیشنهاد و پذیرفته شده است:

الف) دوره اول فرهنگ کورا - ارس همزمان است با آغاز عصر برنز قدیم در خاورمیانه؛ این دوره از حدود ۳۷۰۰ تا ۳۵۰۰ ق.م. آغاز شده و تا

### هنر کورا - ارس

مباحث لایه نگاری، خاستگاه، گسترش و نحوه تعامل فرهنگی و اقتصادی جوامع کورا - ارسی با دیگر جوامع خاور نزدیک عصر برنز قدیم همواره از بحث هنری آن پیشی گرفته است. اگر نگارنده، هنر را ساخته ای خلاقانه تعریف کند که زیباست و ارزش های استحسانی دارد، شاید نتوان در نگاه اول با معیارهای زیباشناسی کلاسیک از هنر کورا - ارس سخن گفت. اما تعریف هنر به همان اندازه تعریف زیبایی و اینکه چه چیزی زیباست، نسبی است و گوناگون. هلن گاردنر، هنر را صورت تجسم یافته تجارب فردی و احساسات شخصی انسان می داند که از دریچه حواس درک می شوند و احساسات را تحریک می کنند.<sup>۲</sup> هر ساخته هنری دارای فرمی است که هارمونی دارد. نگارنده بنابر همین تعریف، حضور تاریخی هنر مردمان کورا - ارس را پذیرفته می داند؛ زیرا صورت تجسم یافته ای را فرایش داریم که دارای فرم مشخص، والور معین و هارمونی بوده و سبک و سنت و صورت هنری<sup>۴</sup> هنرمندان و صنعتگران خالق آنها از بستر فرهنگ و اندیشه و سنن جامعه ای تاثیر پذیرفته است که بیش از یک هزاره حیات، استمرار و پویایی داشت. هنرمندان کورا - ارسی قریب ۱۵۰۰ سال نقشمایه ها، فرم و والور سفال ها و پیکرک های دست ساخته خود را تکرار کرده اند. از نظر نگارنده، اینکه چرا بیش از هزار سال یک سنت هنری در سکون و ثبات به فرجام می رسد؟ مفهوم و پیام نقشمایه های روی سفالینه ها چیست؟ و تاثیر و تاثر و تعامل هنر کورا - ارسی با هنر دیگر ملل شرق میانه باستان

دارد که نخجوان از مراکز شکل گیری کورا - ارس باشد و از این نظر، سایت اوچولار بسیار مهم است (Aliev 1997: 9-10). مرحله انتقالی کورا - ارس از تپه باروج دشت مرند هم گزارش شده است (علیزاده و آذرنوش ۱۳۸۲).

درباره هویت قومی مردمان فرهنگ کورا - ارس مباحث متعددی شده است؛ اینکه آنان که بودند؟ به چه زبانی سخن می گفتند و چه باورهایی داشتند؟ اسناد تاریخی حرکت اقوام هوری به سوی آناتولی مرکزی و شمال عراق و سوریه را از ناحیه شمال غرب فلات ایران، ماوراء قفقاز و آناتولی شرقی گزارش کرده اند و هوری ها را اولین قومی می شناسیم که در جغرافیایی ظهور کرده اند که پیش از آن به فرهنگ کورا - ارس تعلق داشت؛ آیا این می تواند دلیلی بر هویت هوری فرهنگ کورا - ارس باشد؟ (رک. Burney & Lang 1971: 49).<sup>۲</sup> در فقدان منابع مکتوب باید پذیرفت که سخن گفتن درباره مردمانی پیش از تاریخ بسی سخت است و دشوار.

بر اساس شواهد باستان شناختی به نظر می رسد که فرهنگ کورا - ارس در دوره دوم یا همان کورا - ارس II به شمال غربی فلات ایران راه یافته بود؛ به گونه ای که در هزاره دوم ق.م آذربایجان، غرب فلات ایران و دشت قزوین در پهنه فرهنگی یانیق قرار می گیرد. پس از کاوش های چارلز برنی در یانیق تپه، در آغاز دهه ۱۹۶۰، اصطلاح فرهنگ یانیق رواج یافت (طلایی ۱۳۷۴: ۶).

کورا - ارس ناحیه زاگرس، وارداتی بودن آنها را نشان می دهد (Mason & Cooper 1999). سفال های دوره انتقالی یا دوره شکل گیری فرهنگ کورا - ارس به سفال های عصر کالکولیتیک شبیه است و به رنگ قرمز و قرمز مایل به نارنجی بوده و دارای تمپر گاه با مخلوط شن ریز است. فرم سفال های دوره شکل گیری کورا - ارس، کاسه و سبوه های گردن دراز است؛ لبه این سفال ها ساده و برگشته و کف ها به دو فرم تخت و گرد است و دسته های آن را می توان پیش درآمدی بر دسته نخجوانی در دوره های II و III دانست؛ در هر حال سفال های دوره انتقالی با سفال های دوره اول قابل مقایسه اند (Seyedov 2000). تحول سفال های فرهنگ کورا - ارس را به اجمال در سه دوره می توان بررسی کرد:

۱- سفال دوره اول یا کورا - ارس I رنگ خاکستری تیره یا سیاه دارد و دست ساز، صیقلی و با تمپر شن ریز است که بر روی انواع نقوش آن، موتیف های برجسته ماریچی (Spiral) یا حلقوی معروف به چشم دیده می شود (Burney & Lang 1971). ساخت ظروف سفالی با لبه ریلی شکل در دوره اول کورا - ارس رواج داشت و نیز در این دوره دسته های معروف به نخجوانی هنوز توسعه نیافته بود؛ همچنین در کنار نقوش ماریچی، نقوشی به شکل شاخ قوچ نیز دیده می شود (تصویر ۱)؛ (Aşurov 2002). در دوره اول، ساخت چند فرم ظرف و اجرای چند شیوه تزیینی در چهارچوب سنت های

چگونه بود؟ و یا معیارهای زیباشناسی در هنر عصر برنز قدیم ماوراء قفقاز کدامند؟ و پرسش هایی از این گونه، همگی بنیان ها و شالوده های مطالعه و تحقیق در هنر فرهنگ کورا - ارس را شکل می دهند. هر چند آثار هنری یک جامعه کوچرو با سازمان اجتماعی ساده را نمی توان با هنر آتن پریکلس یا مصر باستان و سومر همسنگ دانست و ارزش های استحسانی آنها را با یکدیگر سنجید؛ اما پژوهشگر در مطالعه فرهنگ کورا - ارس، دست ساخته های مردمانی را می یابد که محصول فعلیتی خلاقانه بوده و استمرار هزار ساله سنت ساخت آنها نشانه ارزش و اقبال اجتماعی نزد جامعه ای بس کهنسال است.<sup>۵</sup> آثار هنری فرهنگ کورا - ارس را در چهار مقوله سفالگری، هنرهای تجسمی، معماری و فلزکاری می توان دسته بندی و بررسی کرد.

### سفالگری کورا - ارس

ویژگی بارز و مشخصه اصلی سفال فرهنگ کورا - ارس، رنگ خاکستری تیره مایل به سیاه یا سیاه براق است. سفال کورا - ارس دست ساز و دارای تمپر کانی است که سطح بدنه آن را خوب صیقل داده اند. سطح سفال های کورا - ارس با روش کنده کاری و نقوش هندسی تزیین می شد (Henrickson 1991). سفال های کورا - ارس داغدار بوده و فرم آنها بیشتر کاسه های مخروطی شکل، فنجان دارای دو دسته بر شانه و کوزه های بزرگی است که دسته های آن بر روی شانه قرار دارد. پتروگرافی سفال های خاکستری - داغدار

ماریچ و دسته های حلقوی متصل به لبه ظروف و تزیین چاله ای نوک انگشتی توسعه می یابد (Burney & Lang 1971: 67; Seyedov 2000:19). سفال دسته نخجوانی کورا - ارس III در تپه باروج به شکل قبه های توپر تظاهر می یابد (علیزاده و آذرنوش ۱۳۸۲) و نیز درصد دسته های نخجوانی به تدریج کم می شود. سفال های کورا - ارس III در گوی تپه K3، گودیسن IV، شنگاویست IV، کول تپه نخجوان، کوتسخلی گرجستان و سایت های ناحیه کبان در آناتولی شرقی گزارش شده است (Burney 1961, 1962; Burney & Lang 1971; ) (Sagona 2000).

سفال های کورا - ارس با سفال های عصر برنز قدیم خربت کراک در سده های ۲۶ تا ۲۴ ق.م بسیار شباهت دارد؛ این شباهت تا آنجاست که شماری از پژوهشگران آن را به مهاجرت عناصر ماوراء قفقازی به سوریه - فلسطین تفسیر کرده اند که در این میان شاید به مهاجرت شمار معدودی از صنعتگران صاحب فن از شمال شرقی خاورمیانه به لوانت دلالت کند [؟] این حضور با افول سنت سفالگری منقوش چرخساز سوریه همراه است؛ که سنتی محلی و گسترده بود (Chubinishvili 1966).

سفال های یانیق تپه، به فرم سبو با رنگ خاکستری روشن و تیره داغدار با نقوش کنده هندسی (مثلث، دایره تو در تو، خطوط مستقیم و مربع) بوده و دست سازند؛ بدین لحاظ از سفال های خاکستری نازک و ظریف تپه حصار متمایز اند. کنده کاری روی سفال های یانیق با

سفالگری عصر کالکولیتیک هنوز ادامه داشت (Glumac & Anthony 1992). سفال های کورا - ارس I از اکثریت سایت های قفقاز، حاشیه شرقی آناتولی و نیز گوی تپه K1 بدست آمده است (Sagona 2000).

۲- سفال دوره دوم یا کورا - ارس II با رواج تزیین دسته آرنجی و ظهور دسته نخجوانی نیم دایره ای شناخته می شود؛ لبه های ریلی شکل در این دوره متروک شد (Seyedov 2000). از مشخصات سفال کورا - ارس II باید به رواج تزیینات موسوم به چاله انگشتی اشاره شود (Aşurov 2002). موتیف های ماریچی یا چشم را در دوره دوم با روش کنده کاری خلق می کردند؛ بدین شیوه که پیرامون موتیف را می تراشیدند تا موتیف شکل برجسته بیابد و گاهی محل خالی را با ماده ای سفید رنگ پر می کردند (تصویر ۲)؛ و نیز نقشمایه ای مثلثی شکل با زاویه تند، که کوهستان را در ذهن تداعی می کند (نگ. تصویر ۲)، همراه با تزیینات کنده کاری شده به شکل خط میخی رواج بیشتری می یابد<sup>۱</sup> (تصویر ۳). سفال های کورا - ارس II از گوی تپه K1، یانیق تپه، تپه یاخلولی، رواز تپه، باروج، هفتوان VII و گودین IV بدست آمده است؛ در این دوره تزیین لبه با خطوط زیگزاگ کنده کاری شده و طرح های مضرس رایج بود (Burney 1961, 1962; Kleiss & Kroll 1979; ) (Aşurov 2002).

۳- در سومین دوره فرهنگ کورا - ارس یا کورا - ارس III تزیینات کنده کاری شده با موتیف

موتیف پرندگان<sup>۷</sup> ظاهر می شود (تصویر ۴)؛ این سفال ها حدود ۲۲۰۰-۲۳۰۰ ق.م سالیابی شده اند (Burney & Lang 1971: 62,67). تزیینات کروی شکل (Knobed - decoration) بعضی از سفال های ناحیه داغستان و چچن - اینگوش نشان می دهد که شکل گیری این حوزه شمال شرقی قفقاز پیش از دوره کورا - ارس III بوده است؛ از دیگر خصوصیات این حوزه باید به تزیینات ساچمه ای (Pellet) و نقوش برجسته و دسته های نخجوانی اشاره کرد (Buenev & Lang 1971: 54-65).

### هنرهای تجسمی

تاکنون از فرهنگ کورا - ارس آثار نقاشی بر روی سفال یا به شکل فرسک گزارش نشده است. آنچه از هنرهای تجسمی فرهنگ کورا-ارس می شناسیم به دو گروه نقوش صخره ای و پیکری ها تقسیم می شود. نقوش صخره ای فرهنگ کورا-ارس از ناحیه قوبوستان در جنوب بندر باکو، در شبه جزیره آبخوران، گزارش شده اند.<sup>۸</sup> این نقوش صخره ای کنده کاری شده به دوره سوم فرهنگ کورا - ارس و اوایل هزاره دوم ق.م منسوب شده اند (Burney & Lang 1986; Efendi 1971). نقشمایه های قوبوستان همگی استیلیزه و مسبک بوده و خورشید، انسان های رقصان، شکارچیان، اسب، گاو، قوچ و بز کوهی و گوزن را نشان می دهد. نقشمایه های صخره نگاره های قوبوستان به آشکارا از هنر جامعه ای ساده با اقتصاد دامداری و شکار حکایت دارد. فرم صخره نگاره های قوبوستان

کنده کاری های روی چوب بسیار شباهت دارد و در نتیجه این تصور را پیش آورده است که مردمان یانیق از مناطق جنگلی مهاجرت کرده بودند (طلایی ۱۳۷۴: ۷-۸). موتیف سفال های ساداخلو بسیار قابل توجه است: بر روی این سفال ها نقوش پرندگان، خطوط حلقوی و نقشی شبیه تیغه تبر را می بینیم که بر روی سطحی کاملاً سیاه و داغدار کنده کاری شده است؛ همچنین در سفال های ساداخلو، نقوش کنده شبه انسان را می بینیم که در هنر کورا - ارس پدیده ای است نادر. چوبینشویلی شماری از موتیف های سفال ساداخلو را اثر مهرهای بین النهرینی دوره جمدت نصر می پندارد؛ این فرضیه با توجه به دوری جغرافیا و شکاف زمانی میان ناحیه ماوراء قفقاز و بین النهرین دوره جمدت نصر توجه چندانی را جلب نکرده است. سفال های کورا - ارسی گرجستان تا حدی خشن و منقوش هستند. در سایت آمیرانیس گورا و خیزنانت گورا، طیف رنگ سفال از زرد تا قهوه ای در نوسان است. در سایت کیکتسی، موتیف برجسته حلقوی و ماریچ را داریم که در اوزنی هم مشاهده می شود؛ این سفال ها به کورا - ارس I بازمی گردد. سفال های دارای موتیف نقش برجسته در سایت بشتوشنی هم دیده می شود؛ در حالی که سفال های مکشوف از سایت های ارمنستان بیشتر نقش کنده اند تا اینکه نقش برجسته (Burney & Lang 1971: 58,67).

سفال های بابادرویش در شمال غربی جمهوری آذربایجان ساده اند و تنها در لایه های متاخر است که سفال های نقش کنده یا برجسته با

حبیب الله یف، از آکادمی علوم آذربایجان، هنر ساخت پیکرک های گلی گاو، قوچ و بز را نشانه آشکار و بارز هنر مردمانی دامدار می داند که چنین حیواناتی در حیات اقتصادی ایشان بسیار اهمیت داشته است؛ از نظر وی تغییر در اندازه کمی ساخت پیکرک گاو یا بز یا قوچ در محوطه های استقراری کورا-ارسی با گاهنگاری های متفاوت، می تواند نشانه تاکید بر پرورش گونه ای خاص از دام باشد<sup>۱۱</sup> (Aşurov 2002). پیکرک های حیوانی به شکل کاملاً مسبک و استیلیزه و بیشتر از گل پخته ساخته می شد تا گل خام یا سفال. هنرمند در ساخت پیکرک ها به جزئیات آناتومی حیوان توجهی نداشت و صرفاً به کلیات می پرداخت. پیکرک ها کمتر رنگ آمیزی می شدند و اکثراً ساده بودند و ارتفاع آنها از هشت سانتیمتر بیشتر نبود (Aşurov 2002).

گونه ای دیگر از هنرهای تجسمی در فرهنگ کورا- ارس، ساخت اجاق های سفالی قابل حمل به شکل انسان بود که بیشتر زنی (۹) نشسته را نشان می دهد که پاهایش را باز کرده است<sup>۱۲</sup>؛ این اجاق ها نیز استیلیزه و تجریدی ساخته می شد (تصویر ۹). همه اجاق های سفالی انسان شکل، از نوع قابل حمل نیستند و گاهی هنرمند بخشی یا تمام اجاق یا تنور کف اتاق را به شکل انسان می ساخت. اگر می خواستند صرفاً بخشی از اجاق را به شکل انسان بسازند، قسمتی از راس دیواره اجاق انتخاب می شد (Aşurov 2002). محوریت اجاق در معماری مدور شکل فرهنگ کورا-ارسی و ساخت اجاق هایی به شکل انسان

ساده و فاقد پرسپکتیو و کادربندی بوده و هارمونی ندارد؛ نقوش نظم و ترتیب و عمق نداشته و صرفاً خطوطی ساده اند که گاه در هم تداخل کرده اند و مرز میان نقوش بی معنی است (تصاویر ۵ و ۶)؛ همچنین هنرمند به والور و ایتنسیته نور و رنگ بی توجه است؛ به همین دلیل، انتساب چنین هنری ساده و ابتدایی (Primitive) به مردمانی که فلزکاران و سفالگرانی ماهر بودند اندکی بعید می نماید<sup>۱۳</sup>!

تنها دلیل انتساب صخره نگاره های قوبوستان به مردم کورا-ارسی حضور نقشمایه اسب و نیز نزدیکی آنجا به چند محوطه باستانی عصر برنز قدیم است و مدرک قاطعی برای سالیابی و تاریخ گذاری قوبوستان وجود ندارد<sup>۱۴</sup>. با این حال، تحقیقات اخیر دکتر جلال الدین رفیع فر بر روی نقوش صخره ای سونگون در ناحیه قره داغ استان آذربایجان شرقی و مقایسه آنها با قوبوستان، این فرضیه را مطرح کرده است که صخره نگاره های نامبرده قدمتی بیش از هزاره های سوم و دوم داشته و به عصر فراپارینه سنگی بازمی گردد (رفیع فر ۱۳۸۳).

ساخت پیکرک (Figurine) حیوانات سمدار و بویزه قوچ و گاو از دیگر هنرهای تجسمی مردمان کورا-ارسی بود (تصویر ۷). شواهد ساخت پیکرک انسان بسیار اندک است. از آمیرانیس گورا در گرجستان، سردیس انسانی به دست آمده است که نشان می دهد هنرمند کوشیده است تا به رئالیسم نزدیک شود و جزئیات آناتومی صورت را نشان دهد. سردیس آمیرانیس گورا به نظر زنی (۹) می نماید که موهایی بافته دارد (تصویر ۸).

ماوراء قفقاز یک سنت دیرین بوده است (Burney & Lang 1971: 52). در سایت های کسورا - ارسسی گرجستان چون تاماریسی، تیکتی، آمیرانپس گورا، اردیسو بانی و خیزنانت گورا و تتری تسقارو نیز سنت معماری مدور شناسایی شده است؛ سازه خانه های مدور با خشت ساخته می شد و یک هشتی چهارگوش نیز در برابر درگاه ورودی کلبه قرار داشت (Chubinishvili 1966). چوبینیشویلی سنت معماری چهارگوش شرق گرجستان در سایت هایی چون کواتسخلی، گودابرتقوا و خیزنانت گورا را با معماری چهارگوش آناتولی و حوزه آزه مقایسه می کند (Chubinishvili 1966). در کواتسخلی (C3) خانه ها دو گونه است: تعدادی چهارگوش با گوشه و کنج مدور و شماری چهارگوش واقعی. باید توجه داشت که در سایت خربت کراک، کاربری سازه های چهارگوش به عنوان خانه های مسکونی شناخته نشده است (Burney & Lang 1971: 56).

مشخصه بارز و عمومی معماری کسورا - ارس I یک تیرک چوبی و اجاق در مرکز خانه است؛ ارتفاع تیرک با قطر خانه ارتباط دارد. در سنگاویت، قطر خانه ها ۶ تا ۸ متر و در کول تپه II نخجوان ۳/۵ تا ۱۳ متر است؛ ضخامت دیوارها نیز از ۲۰ تا ۷۰ سانتیمتر متغیر است. مصالح معماری در کول تپه II سنگ و خشت است. به عنصر اجاق در خانه های کسورا - ارس بسیار تاکید می شد بویژه در کواتسخلی این پدیده مشهود است. ویژگی های یک زندگی کوچرو - شبانی را در معماری کسورا - ارس به خوبی

مجرد (زن ؟) نشان دهنده جایگاه والای آتش در باورهای مذهبی مردمان کسورا-ارس است. به نظر می رسد که اجاق مرکزی در وسط خانه محلی بوده است برای تجمع اعضای خانواده و اجرای یک آیین ویژه؛ اجاق های قابل حملی نیز شناسایی شده است که آراسته به نقوش هستند؛ کاربرد این اجاق های مزین قابل حمل و نقل را با شاخ های آیینی تمدن مینوسی در کرت مقایسه می کنند و یا اجاق هایی که در معابد برنز قدیم بیجه سلطان II در جنوب غربی آناتولی کشف شده اند و نقش آیینی دارند. در یانیق تپه وضعیت و موقعیت اجاق ها فرق می کند؛ در اینجا اجاق ها نه در مرکز خانه بلکه در آستانه درگاه ورودی قرار داشته و قابل حمل نیستند (Burney & Lang 1971).

### معماری فرهنگ کسورا - ارس

از شاخص های مهم فرهنگ کسورا - ارس معماری گرد و مدور آن است (تصویر ۱۰)؛ در اصل معماری کسورا - ارس به دو سنت معماری مدور و معماری چهارگوش تقسیم می شود (تصویر ۱۱). سنت معماری مدور را ویژگی قلمرو شرقی کسورا - ارس می دانند که محدوده ای از داغستان تا دشت تبریز را در برمی گیرد و سنت معماری چهارگوش نیز به قلمرو غربی کسورا - ارس تعلق دارد که از گرجستان تا آناتولی شرقی گسترش یافته بود (Burney & Lang 1971: 56). کاوش های سایت تگوت (Tegut) نیز این فرضیه را تقویت می کند که شاید معماری گرد و مدور در ناحیه



حرارت بسیار زیادی را ایجاد می کردند؛ باید که سفال های تیره و سیاه فام<sup>۱۳</sup> فرهنگ کورا - ارس در رابطه با کوره های فلزکاری تولید شده باشد. شاید پیشرفت های فلزکاری فرهنگ کورا - ارس نه یک توسعه درونزای محلی که مهاجرت مردمان آشنا با فلزکاری از آناتولی بنا خاور نزدیک بوده باشد؛ در مقابل این فرضیه، آنتی تزی مطرح شده است که قفقاز را به دلیل وجود معادن فلزات، خاستگاه و مبداء توسعه فلزکاری به سوریه می داند. (Chubinishvili 1966).

شاخص تمایز کورا - ارس III و II از کورا - ارس I، توسعه صنعت فلزکاری است؛ بویژه فلزکاری در دو سه قرن پایانی هزاره سوم توسعه بیشتری می یابد. پیش از کورا - ارس، مسگری در ماوراء قفقاز رواج داشته است؛ در این دوره به آلیاژهایی از مس - آرسنیک و گاهی دیگر فلزات برمی خوریم؛ اما محصول اصلی کارگاه های فلزکاری، ابزارها و اسلحه های مسی بود که با تکنیک چکش کاری می ساختند (Burney & Lang 1971: 68). به نظر می رسد که صنعتگران فرهنگ کورا - ارس ساخت آلیاژ برنز از ترکیب مس و قلع را از سومر و اکد آموختند؛ آنان همچنین با تکنیک موم گمشده آشنا بودند. دوره سوم را باید نقطه اوج فلزکاری فرهنگ کورا - ارس دانست؛ در سایت متسامور، چهارده ترکیب آلیاژی از قلع، سرب، آنتیمونی، مس و روی شناسایی شده است. ساخت اشیایی ظریف چون مفتول های حلقوی که موتیف و شکل آنها را روی سفال ها نیز می بینیم، این دیدگاه را مطرح کرده است که فلزکاری بر سفالگری تاثیر نهاده

می توان مشاهده کرد. معماری مدور با تیرک مرکزی و اجاق مرکزی و چپر و اندود گل و کاهگل و نظام حلقوی خانه های روستا دقیقا مشابه یورت های ترکمنی است؛ این نظام معماری و نیز کندن کف اتاق به گونه ای که پایین تر از کف محوطه اطراف خانه قرار گیرد، برای زندگی در یک اقلیم سرد و برفی بسیار مناسب است (Burney & Lang 1971: 56-57, 65-66).

### فلزکاری

مردمان کورا - ارس با صنعت فلزکاری آشنا بودند. ابزارهای مسی، تسلیحات و زیورآلات مسی، قالب های ریخته گری مس، سرباره و جوش کوره، بقایای کوره، اجاق و مهره های ساخته از سرباره مس یا سنگ های آگات (Agate) کارنلیان (Carnelian) و کریستال کوهی از استقرارها و قبور کورا - ارس بدست آمده است. اسلحه های فلزی شامل تبر، سپر، خنجر و داس می شد. آلیاژ به کار رفته، مس - آرسنیک است. باید توجه کرد که از آلیاژ مس - آرسنیک با روش قالبگیری، زیورآلاتی ساخته اند که در فرهنگ های معاصر با تکنیک چکش کاری ساخته می شد<sup>۱۴</sup>. فاصله بسیار دور آثار فلزی و بقایای فلزکاری مکشوف از معادن فلزات نشان می دهد که مردمان کورا - ارس کوچرو بودند. به نظر می رسد که فلزکاری فرهنگ کورا - ارس در ناحیه قفقاز جنوبی توسعه یافته بود؛ استفاده از تکنیک ریخته گری برای تولید آلیاژ مس - آرسنیک رواج داشت. کوره های فلزکاری و سفالگری فرهنگ کورا - ارس سرپوشیده بوده و

که دارای فرم مشخص، والور معین و هارمونی بوده و بر حضور سبک و سستی ساکن و ثابت دلالت دارد که بیش از یک هزاره استمرار داشت. صرف نظر از تکنیک سفالگری و تاثیر ساختمان کوره بر رنگ سفال، به نظر می رسد که رنگ تیره در نزد هنرمندان سفالگر کورا- ارسی یک والور بود. باید توجه کرد که سفالگر کورا- ارسی به جای نقاشی بر روی سفال ترجیح می داد تا نقوشی برجسته را، که از طبیعت اطراف الهام گرفته بود، نه به صورت تزئینات الحاقی، که برجسته تراشی یا کنده کاری بیافریند؛ حال آنکه نه تنها تکنیک نقاشی روی سفال ساده تر و زیباتر می نمود بلکه سنت ساخت سفالی نه های منفوش رنگارنگ (Painted & Polychrome) پیش از فرهنگ کورا- ارس و حتی معاصر با آن، در فرهنگ ها و جوامع همسایه رواج داشت و نباید سفالگر کورا- ارسی را با آن تکنیک بیگانه پنداشت؛ بنابراین، چنین به نظر می رسد وی خود را به شیوه ای خاص از سفالگری و نقش اندازی متعهد و پایبند می دانسته است (۹) همین نشانه ها می تواند پژوهشگر را به مفاهیم زیبایی در هنر کورا- ارس راهنمایی کند و اینکه هنرمند چه چیزی را زیبا می پنداشت. ویژگی بارز هنر کورا- ارس ثبات و سکون در سنت های سفالگری، معماری و پیکرک سازی است. تحولات در سنت ها نه به یکباره، بلکه بسیار آهسته و در گذر سده ها شکل می گرفت؛ به گونه ای که میان سفال های دوره سوم کورا- ارس با دوره اول آن، با گذشت قریب هزار سال، بیشتر تشابه و اشتراک را می یابیم تا تفاوت و افتراق.

است (تصویر ۱۲). آثار فلزی کول تپه II نخجوان هم قابل توجه است؛ در اینجا در مرحله کورا - ارس III از آلیاژ مس - ارسنیک برای تولید ابزارهای فلزی استفاده می شد که در جریان کاوش ها، قالب های فلزکاری هم بدست آمد (Burney & Lang 1971: 70-71).

از سومین دوره فرهنگ کورا - ارس مدارکی دال بر تجارت میان منطقه ماوراء قفقاز و بین النهرین موجود است و بویژه به آثار فلزکاری سومری باید اشاره کرد؛ احتمالاً، لایه IV کول تپه ترکیه، یا همان پایگاه تجاری آشوری کمانش که حدود ۲۱۰۰ تا ۲۰۵۰ ق.م سالیابی شده است، در این تجارت فلز نقش داشته است ( Burney & lang 1971: 62). تحلیل آثار فلزی مکشوف از سایت ارسلان تپه (VIB1) نشان می دهد که صنعتگران کورا - ارس با آناتولی در ارتباط بودند (Franigpane 2000). فلزکاری ارسلان تپه VIB در اوایل هزاره سوم دچار یک افزایش کمی و کیفی می شود که دلیل آن را ارتباط فلزکاران کورا - ارس می دانند؛ آلیاژ ارسلان تپه VIB نیز ترکیب مس - ارسنیک یا آنتیمونی است. به نظر می رسد که افزایش کمی و کیفی محصولات فلزی ارسلان تپه برای تغذیه بازارهای بین النهرین و دیگر سایت های در آستانه شهرنشینی آنجا بوده است (Franigpane 2002: 129).

### نتیجه گیری

دست ساخته های سفالی، فلزی و معماری هنرمندان و صنعتگران فرهنگ کورا- ارس، در عصر برنز قدیم، نشانه های فعالیت خلاقانه است؛

معیارهای زیباشناسی هنر کلاسیک سنجید یا با هنر مصری و بین‌النهرینی عصر برنز قیاس کرد؛ و اصولاً باید در جستجوی معیارهای زیباشناختی خاص خود آن بود. هنر کورا-ارس، هنری اصیل از جامعه ای ساده است که سازمان و ساختار اجتماعی آن در گذر صدها سال ثابت و ساکن مانده بود؛ همین سکون و ثبات اجتماعی در هنر کورا-ارس بازتاب و عینیت یافته است؛ بنابراین، ثبات و سکون در سنت های هنری مهم ترین ویژگی بارز هنر کورا-ارس است. استمرار و تداوم و تکرار در فرم ها و نقشمایه ها، استلیزه بودن و تاکید بر تجرید در آفرینش نقشمایه ها و الگوپذیری آنها از طبیعت اطراف و اقتصاد معیشتی جامعه، رعایت سادگی در فرم و تکنیک و ابزار های خلاقیت هنری و گرایش به هارمونی باید از مشخصات هنر کورا-ارس شمرده شود.

#### یادداشت ها:

- ۱- دکتر حسن طلائی بر اساس گونه شناسی سفال، فلات ایران را در هزاره دوم به چهار پهنه فرهنگی تقسیم می کند:
- ۱- پهنه یانیق تپه
- ۲- پهنه گیان - گودین
- ۳- پهنه حصار III در شمال شرقی و شرق فلات مرکزی ایران
- ۴- پهنه ایلام از خوزستان تا کرمان
- ۵- این فرضیه مطرح شده است که فرهنگ کورا-ارس شاید نشانه ظهور اقوام هندو اروپایی زبان است که به آناتولی مهاجرت کرده و در حدود ۲۰۰۰ ق.م تمدن هیئت را پی افکنده اند؛ اما این فرضیه قابل اثبات نیست. در فقدان هر گونه مدارک مکتوب، نمی توان درباره ماهیت قومی - فرهنگی مردمان کورا - ارس سخن گفت. منطقه شمال غرب فلات ایران و ماوراء قفقاز و شرق آناتولی تا

هارمونی در هنر کورا-ارس بیشتر در سفالگری نمود و عینیت یافته است تا آنکه در معماری. معماری کورا-ارس فاقد هارمونی است اما از الگوهای معینی تابعیت می کند که برخاسته از نظم اجتماعی خاص یک جامعه ساده است؛ که به نظر می رسد ساختاری قبیله ای داشت. هنر تصویرسازی نزد مردمانی که چندین سده همسایه فرهنگ ها و تمدن های زاگرو-عیلامی و بین‌النهرین بودند، بسی ساده است؛ علی‌رغم ارتباط و همسایگی جغرافیایی با آنها، هنرمندان کورا-ارسی نه تنها در تصویرسازی که در سفالگری نیز به تاثیرپذیری از فرم ها، سبک ها و تکنیک های هنری بین‌النهرینی و زاگرو-عیلامی گرایشی نشان ندادند و به گونه ای بر سنت ها و قواعد هنری فرهنگ خویش پایبند و متعهد ماندند؛ همین تاکید و اصرار، به هنر کورا-ارس اصالت می بخشد.

عدم هارمونی در هنر صخره نگاره های قوبوستان و سادگی آنها همراه با عدم وجود تکنیک های قابل اطمینان برای سالیابی و تاریخ گذاری، اجازه می دهد تا در انتساب آنها به فرهنگ کورا-ارس تردید کرده و شاید آنها را تا عصر فرایارینه سنگی عقب بریم.<sup>۱۱</sup>

علیرغم سادگی فرم و تکنیک ساخت، هارمونی و حضور یک سنت و سبک معین در ساخت اجزای های سفالی انسانی شکل کورا-ارسی قابل مشاهده است. هنر ساخت پیکرک های حیوانی هم بازتاب اقتصاد جامعه ای اساساً دامدار می نماید.

در یک نتیجه گیری کلی باید گفت هنر کورا-ارس هنری اصیل است که نمی توان آن را با

۱۱- حضور زن و عنصر مونث در هنر پیش از تاریخ قدمتی بسیار داشته و به عصر پارینه سنگی جدید بازمی گردد.

۱۲- فرم ها در آثار فلزی کورا-ارس ساده اند و هرچند از روش های قالبگیری و ریخته گیری با مهارت استفاده می شد اما پیچیدگی فرم های آثار فلزی موسوم به برنز لرستان را ندارد.

۱۳- Smoke - Baickening سفال هایی که رنگ آنها، به دلیل پخت در کوره های سرپوشیده، طیفی از خاکستری تیره تا سیاه است. توضیح و اصطلاح تیره و سبزه فام پیشنهادی است از آقای دکتر رحمت عباس نژاد.

۱۴- در این باره بیشتر به نتایج تحقیقات دکتر رفیع فر اشاره شد.

#### کتابنامه:

- ۱) طلایی، حسن (۱۳۷۴)
- باستان شناسی و هنر ایران در هزاره اول ق.م، تهران: سمت.
- ۲) عزیزاده، کریم و مسعود آذرنوش (۱۳۸۲)
- " بررسی روشمند تپه باروج: روابط فرهنگی دو سوی رود ارس ۲"، باستان شناسی و تاریخ، شماره ۳۴، صص ۲۲-۳.
- ۳) نوروزی طلب، علیرضا (۱۳۸۳)
- " صورت هنری ممکن"، باغ نظر: فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشگاه نظر: مرکز تحقیقات هنر، معماری و شهرسازی، شماره اول، صص ۱۲۱-۱۰۴.
- ۴) وزیر، علینقی (۱۳۷۳)
- تاریخ عمومی هنرهای مصور، ج ۳، تهران: انتشارات هیرمند.
- ۵) رفیع فر، جلال الدین (۱۳۸۳)
- " رد پای شمنیسم در سنگ نگاره های ارسباران"، مقاله ارایه شده در دومین همایش ملی

ظهور پادشاهی اورارتو در دوران پیش از تاریخ به سر می برد؛ وانگهی زبان اورارتو با زبان هوری خویشاوند است به گونه ای که اورارتویی را هوری متاخر نامیده اند (Burney & Lang 1971 : 47-48).

۲- نگاه کنید به هنر در گذر زمان.

۳- صورت هنری، تحقق معنایی است که ابتداء در عالم تخیل هنرمند فعلیت یافته و اثر هنری یا صورت هنری معلول آن صورت متخیله است. صورت هنری از فرهنگ و اندیشه جامعه جدا نیست (نوروزی طلب ۱۳۸۳).

۵- نیچه برای تحلیل یک اثر هنری و اینکه چه چیزی هنر است، چهار اصل را برمی شمرد (رک. علینقی وزیر ۱۳۷۳):

الف- فعالیت خلاقانه هنرمند

ب- ساخته یا اثر هنری

ج- اقبال جامعه

د- ارتباط اثر هنری و هنرمند با نظم اجتماعی

از نظر نگارنده وجود هر چهار اصل در دست ساخته های فرهنگ کورا - ارس مشاهده پذیر و قابل اثبات است؛ بنابراین، می توان از هنر کورا - ارس سخن گفت.

۶- این نقشمایه مفهوم و تفسیر خط ندارد و صرفاً تزئین می نماید

۷- نقشمایه پرندگان بیشتر پرندگان دریایی چون فلامینگو، حواصیل و درنا را در ذهن تداعی می کند که در سواحل خزر و دریاچه های وان، ارومیه و گوگجه نیل فراوان هستند.

۸- دکتر مرتضی حصاری از ناحیه دشت مغان نیز وجود

نقوشی کاملاً مشابه قوبوستان را گزارش کرده است

(Hesari & Akbari 2004)

۹- دکتر حصاری از همین روش برای سالیابی نقوش صخره ای مغان استفاده کرده است.

۱۰- باید توجه داشت که از نظر حبیب الله یف کاربرد داده های جانور- باستان شناسی و استخوان-باستان شناسی برای تحلیل و تفسیر تغییرات اقتصاد معیشتی یک جامعه دامپرور الزامی است.

*Tracking the Uruk in the Near East*, Nicholas Postgate (ed.), British School of Archaeology in Iraq, pp. 123-128.

11) Glumac, P & D. Anthony (1992)

"Culture & Environment in the Prehistoric Caucasus: the Neolithic through the Early Bronze Age", *Chronologies in Old World Archaeology*, R.W. Erich (ed.), Vol.1, Chicago & London, The University of Chicago Press, pp. 196-206.

12) Henrickson, Robert. C (1986)

"Workshops & Pottery Production in the Central Zagros, Iran, ca. 2300 B.C.", *Ceramics & Civilization*, D. Kingery (ed.) American Ceramic Society.

13) Henrickson, Robert. C (1991)

"The Bronze Age in Northwestern, Western & Southwestern Persia", *Encyclopedia Iranica*, E. Yarshater (ed.), Vol. 5, Newyork, pp. 288-294.

14) Hesari, M & Hassan Akbari (2004)

"Die Felsgravierungen aus dem Iranisch-Asarbaidschanischen Provinz Ardebil", *Paper Presented at 4 ICAANE Congress*, Berlin: Freie Universität Berlin, Henry Ford Bau, 28<sup>th</sup> April - 3<sup>rd</sup> March 2004.

15) Kleiss, Wolfram & Stephon Kroll (1979)

"Ravaz & Yakhavli, Zwei Befestigte Plätze des Jahrtausends", *AMI*, Band. 12, pp. 27.

16) Mason, R.B. & Lisa Cooper (1999)

"Grog Petrography & Early TransCaucasian at Godin Tepe", *IRAN*, Vol. 37, pp. 25-31.

17) Di Nocera, Gian-Maria (2000)

"Radio Carbon Dating From Arslantepe & Norsuntepe: the 4<sup>th</sup>-3<sup>rd</sup> Millennium Absolute Chronologies in the Upper Euphrates & Trans-Caucasian Region", *Chronologie des Pays du Caucase et de L'Euphrate aux IV-III Millenaires*, Catherine Marro & Harold Hauptmann (Eds.) Paris, pp. 73-93.

18) Sagona, A (2000)

"Excavation at Sos Hoyuk, 1998 to 1999: Fifth Preliminary Report", *Ancient Near Eastern Studies*, Vol. 37, pp. 56-127.

19) Seyedov, A. G (2000)

*Naxçıvanın İlk Tünc Dövrü Abidələri və Onlaun Dövrələşdirməsi*, Bakı: Çasıoğlu Mətbəəsi.

ایران شناسی، تهران: بنیاد ایران شناسی، خردادماه

۱۳۸۳

1) Aliev, V (1997)

"Kura-Araxes Culture Settlement of the Nakhichevan Area", *Archaeology of Caucasus: New Discoveries & Perspectives*, O.D. Lordkipanidze et al (Eds.) International Scientific Session, abstracts of Papers, Tibilisi, pp. 9-10.

2) Aşurov, S. H (2002) *Naxçıvan'da İlk Tünc Keramikası*, Baku: Nafta Press.

3) Amiran, R (1965)

"Yanik Tepe, Shengavit & the Khirbet-Kerak Ware", *Anatolian Studies*, Vol. 15, pp. 165-167.

4) Burney, Charles & David Marshall Lang (1971)

*The Peoples of the Hills: Ancient Ararat & Caucasus*. London: Weidenfeld & Nicolson.

5) Burney, Charles. A (1961)

"Excavations at Yanik Tepe, North-West Iran", *Iraq*, No. 23, pp. 53-138.

6) Burney, Charles. A (1962)

"Excavations at Yanik Tepe, Azerbaidjan, 1961", *Iraq*, No. 24, pp. 49-134.

7) Chubinishvili, T. C. (1966)

"The Interconnections Between the Caucasian (Kura-Araxes) & the Near East Cultures in the Third Millennium B.C.", *Contributions to the Archaeology of the Soviet Union: With Special Emphasis on central Asia, the Caucasus & Armenia*, Richard G. Klein (trn.), M. Shimkin et al (eds.), Peabody Museum: University of Harvard, pp. 167-171.

8) Efendi, R. S (1986) *Stone Plastic Art of Azerbaijan*, Baku: Ishigh Press.

9) Franigpane, Marcella (2000)

"The Late Chalcolithic E.B.I Sequence at Arslantepe. Chronological & Cultural Remarks from a Frontier Site", *From the Euphrates to the Caucasus: Chronologies For the 4<sup>th</sup> - 3<sup>rd</sup> Millennium B.C.*, C. Marro (ed.), Istanbul.

10) Franigpane, Marcella (2002)

"Non-Uruk Developments & Uruk-Linked Features on the Northern Borders of Great Mesopotamia", *Artefacts of Complexity:*

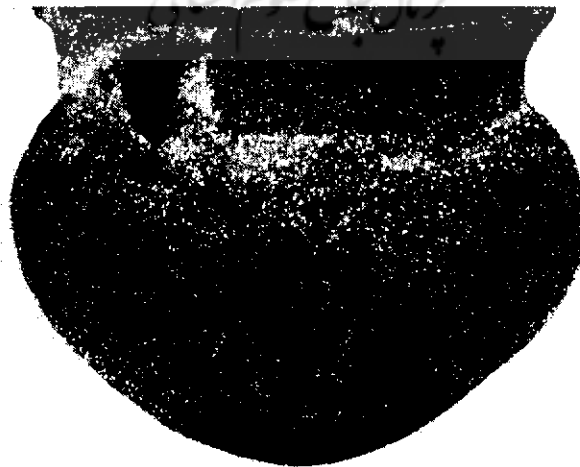
تصاویر



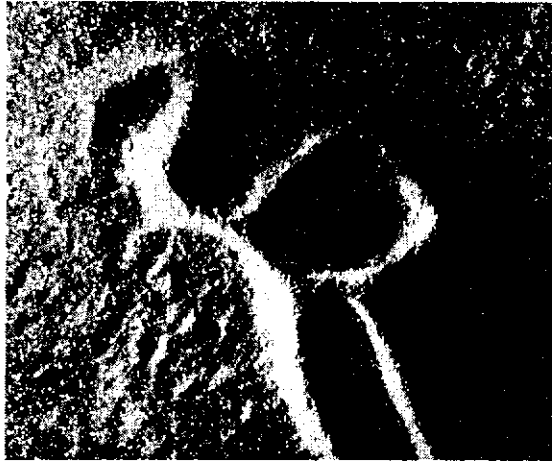
تصویر ۱- نقش مایه هایی به شکل شاخ قوچ بر روی سفال های کورا-ارسی (Aşurov 2002)



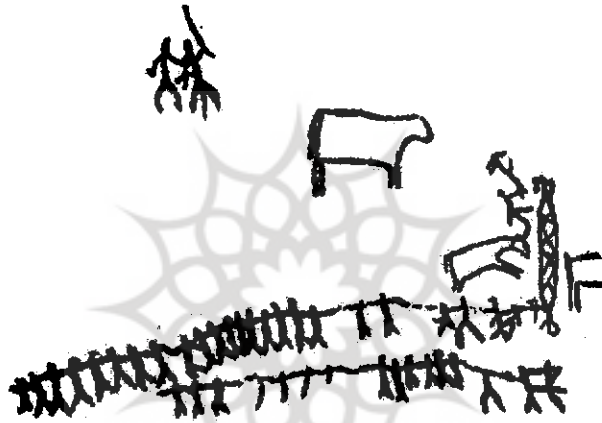
تصویر ۲- نقشمایه مارپیچی بر روی سفال کورا-ارسی، دوره دوم (Burney & Lang 1971)



تصویر ۳- نقشمایه ای که خط میخی را در ذهن تداعی می کند؛ اما خط نیست (Burney & Lang 1971)



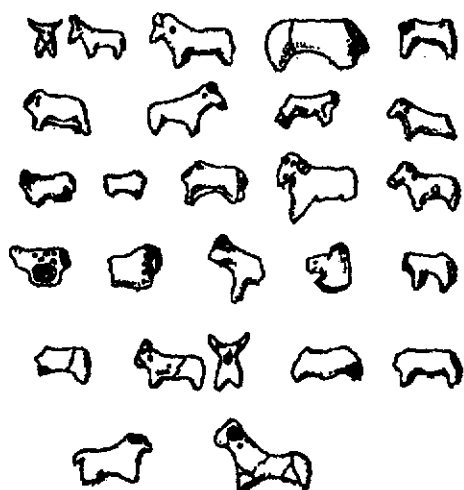
تصویر ۴ - نقش پرنده ای دریایی بر روی سفال کورا-ارس (Burney & Lang 1971)



تصویر ۵ - یکی از صخره نگاره های قویوستان (Burney & Lang 1971)



تصویر ۶ - یکی از صخره نگاره های قویوستان (Burney & Lang 1971)

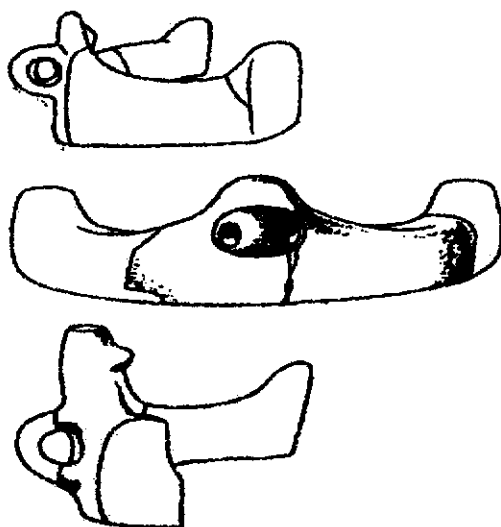


تصویر ۷- پیکرک حیوانات سمدار: قوچ و گاو (Aşurov 2002)



تصویر ۸- سردیس یک زن (؟) از آمیرانیس گورای گرجستان (Burney & Lang 1971)





تصویر ۹ - اجاق به شکل مسبک انسان (زن؟) از جنس سفال (Aşurov 2002)



تصویر ۱۰ - بقایای معماری با پلان مدور از یانیق تپه، دوره دوم کورا-ارس (Burney & Lang 1971)



تصویر ۱۱ - بقایای معماری با پلان چهارگوش از یانیق تپه، دوره سوم کورا-ارس (Burney & Lang 1971)



تصویر ۱۲ - مفتول برنزی به شکل مارپیچ (شیء تزئینی؟) مکشوف از نخجوان؛ همین نقش بر روی سفال ها نیز دیده می شود